

بسم الله الرحمن الرحيم

شنبه ۵ خردادماه ۱۴۰۳، مرکز فقهی ائمه اطهار (سلام الله عليهم)، نشست ۱۹ فقه سیاسی، مسئله نصب از سوی امام و فقیه و موت امام و فقیه.

مقدمه

آیا سمتی که امام معصوم و فقیه به شخصی بدهد، پس از موت ایشان باطل می‌شود یا خیر؟ این بحث در دو قسم مطرح می‌شود؛ جایی که امام سمت بدهد و جایی که فقیه سمت بدهد. در قسم دوم، موت موضوعیت ندارد و شامل مریضی، بیهوشی، کما، کهولت سنی که قابلیت ادراک را بگیرد و... می‌شود؛ اما در قسم اول، موت موضوعیت دارد. قسم اول را در گذشته بحث کردیم؛ قسم دوم محل ابتلا است و بحث ما در آن است. صاحب عروه نیز این مسئله را تنها در قسم دوم مطرح کرده است.

عروة الوثقی

"المأذون والوكيل عن المجتهد في التصرف في الأوقاف أو في أموال القصر ينعزل بموت المجتهد، بخلاف المنصوب من قبله، كما إذا نصبه متولياً للوقف أو قیماً على القصر، فإنه لا تبطل توليته وقيمومته على الأظهر؛ ایشان فرموده است فقیه دو نوع سمت به افراد می‌دهد؛ نوع اول آنکه فقیه به شخصی اذن یا وکالت دهد. این دو نوع هرچند متفاوت هستند، در حکم، حکم واحدی دارند. در این فرض معلوم است که پس از موت فقیه، اذن و وکالت باطل می‌شوند. دوم نوع آنکه فقیه شخصی را نصب کند و از ولایت خودش به آن شخص بدهد؛ مثل نصب قیّم بر ایّام یا نصب شخصی بر اوقات (تولیت). در این فرض علی‌الظاهر تولیتی که مجتهد داده است و قیمومتی که آن شخص داشته است باطل نمی‌شود. نوع اول در میان علما مورد اتفاق است؛ اما آقای سید محمد شیرازی گفته است: "الثانی: عدم انعزال الوکیل والمأذون والقیم وغيرهم بعنوان الولاية الشرعيه مقابل العنوان الشخصي، عن جواز التصرف في تلك الشؤون المجاز فيها، بموت المجتهد، فيبقى على ما كان عليه،"^۱؛ نمی‌خواهیم با این کلام خدشه‌ای به اتفاق علما وارد کنیم،

^۱ موت یا خروج مجتهد از شرایط وکالت و اذن؛ مانند جنون.

^۲ موسوعه استدلالیه فی الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۳۷۴.

بلکه می‌خواهیم از زاویه دیگری نگاه کنیم و مثل ایشان وکالتی یا عقدی را فرض کنیم که اگر اثبات شود، پس از موت موکل باطل نشود؛ چراکه این مسئله دارای آثار اجتماعی متعدد است.